



پهچان

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
سیداحمد سکاکی
زیر نظر شورای نویسندگان
محل اداره: فرخ شمالی سابق - تلفن ۸۵۰۹۸۵
مطالب وارده متسرد نخواهد شد
سال سیام
هفتنامه فکاهی، سیاسی، انتقادی
دوره جدید - شماره ۲۲
شرکت چاپ رنگین - تلفن ۲۱۹۶۸۵

باشد،
زبانش مرده و
بی جان و زبان لغت
نامه است... و اینکه:

«رسا بودن و رسا نبودن یک زبان در تعداد

لغت آن نیست که با وضع لغت و واژه سازی بتوان زبان را غنی و رسا کرد. پس نارسایی در کجاست؟ زبان هر قوم تاریخی دارد و در طی تاریخ زبان هم بسط و قوام می یابد و چون تفکر از یاد برود یا ضعیف شود، زبان هم سست و آماده خرابی می شود. ما در این اواخر که نسبت خود را با گذشته کم و بیش بریدیم و به عمق علوم و معارف غربی هم دست نیافتیم، چگونه می توانستیم زبان رسا داشته باشیم؟ این نارسایی زبان عین نارسایی تفکر بود و هست. «رضا داوری اردکانی، وضع کنونی زبان فارسی، فصلنامه سوره، سال سوم، شماره مسلسل ۷۲، بهار ۷۶، صفحات ۱۷، ۲۳»

بر این اساس، می توان گفت: «کاریکاتور» و واژه های مرتبط با آن، همانند واژه های گروه اول، اکنون جزء واژگان زبان فارسی اند و اهل زبان پس از نزدیک به یک قرن هیچ غرابتی را در کاربرد آنها احساس نمی کنند و گفته شده است: «اصلاً حق این است که ابزار را هر قومی که می سازد نامی هم بدان بدهد و اقوام دیگر اگر نمی توانند لفظ مناسبی به جای آن بگذارند اصرار بیهوده نکنند و تعصب به خرج ندهند... (همان منبع، ص ۱۷). مطالبی که در پی می آید، شاید این بسرهان را قوی تر سازد.

درباره ریشه واژه «کاریکاتور» می توانیم به نوشته منبع معتبر کتاب «تاریخ کاریکاتور» (LA CARICATURE ART ET MANIFEST) اشاره کنیم: «در سال ۱۷۲۶، مجموعه ای گراور که از نقاشی های پرتیپ های آنیال کارا که اقتباس شده بود در بولونیا انتشار یافت. در مقدمه این مجموعه موسیقی ناشر این آثار خاطر نشان می سازد که آنیال در نقاشی های (کاریکاتور) خود وسیله ای برای رفع و دفع اثرات فعالیت بسیار خسته کننده نقاشی یافته است. و در اینجا است که برای نخستین بار مضمون «کاریکاتور» پدید می آید. «کاریکار» به ایتالیایی به معنای اغراق گفتن و مبالغه کردن است. در این مجموعه همچنین آمده است که نقاش شخصاً این واژه را در رابطه با نقاشی های خود به کار فرهنگ های لغت نوشته اند، علی رغم ریشه ایتالیایی اش واژه ای فرانسوی است و این البته مربوط می شود به تحولات اساسی این هنر در فرانسه که از بحث ما بیرون است.

اما در مورد پیشینه واژه انگلیسی «کارتون» نوشته اند: اصطلاح کارتون را به معنای امروزی آن برای اولین بار مجله «پانچ» (تأسیس در ۱۸۴۱ م) به کار برد. تا آن زمان واژه کارتون در اصطلاح هنری به معنای طرح اولیه و کاملی بود که یک تصویر هنری مانند نقاشی یا کاشی کاری بر اساس

واژه هایی که همراه با پدیده های تازه فرهنگی از زبان های اروپایی به فارسی راه یافته اند بسیارند. آن چنان که اکنون کسانی آنها را در کتاب هایی فهرست کرده اند. واژه هایی مانند تلفن، فیلم، رستوران، کافه، بوفه، کلاس، اتوبوس، اتوبان، موتور، ماشین، فیزیک، پروژه، پروتین و ده ها واژه دیگر روزانه از سوی اهل زبان به کار می رود. بدون این که معمولاً از اصل آنها آگاه باشند یا احساس کنند که آنها خارجی اند. این واژه ها اکنون تقریباً جزء واژگان زبان فارسی شده اند و در شمار مداخل فرهنگ های فارسی درآمده اند. زیرا خلایی را در زبان پر می کنند. البته دسته دیگری از واژه ها و عبارات قرضی هستند که غیر ضروری اند و بیشتر جنبه فردی دارند و انتقال آنها به وسیله اشخاص دو زبانه عمداً و آگاهانه صورت گرفته است. این امر به ویژه در نزد تحصیل کردگان علوم جدید مانند کامپیوتر، پزشکی و زمین های دیگر به خوبی مشهود است. می توان از کاربرد این دسته دوم از واژه ها یا عبارات زبان های بیگانه حتی الامکان پرهیز کرد (البته کم سواد های مترجمان زبان ندان را نباید در شمار این مقوله به شمار آورد).

پدیده واژه های قرضی تنها خاص زبان فارسی نیست، بلکه تقریباً همه زبان های جهان کم یا بیش از این پدیده متأثرند و نسبت به آن حساسیت نشان می دهند. ولی علی رغم هر نوع مقاومت و ناخرسندی تقریباً همه زبان ها واژه هایی را قرض می گیرند و قرض می دهند. چنان که گفته اند، این امر را نباید صرفاً یک مسئله زبانی تلقی کرد، بلکه باید آن را در چارچوب نفوذ فرهنگ های مسلط جهان مورد دقت قرار داد (درباره انواع واژه ها و عبارات قرضی و جنبه های گوناگون آن دست کم نگاه کنید به: محمدرضا باطنی، زبان و تفکر، مقاله «پدیده های قرضی در زبان فارسی» زمان، چ ۳، ۱۳۶۳). پس از این مقدمه و پیش از ورود به بحث اصلی پیرامون واژه «کاریکاتور» و اذتاب آن، بجاست به ضرورت ولی بسیار مختصر به نظریه نارسایی زبان فارسی در بیان معانی نو و پدیده «واژه سازی» نیز اشاره شود. نباید تردید کرد یکی از مهم ترین راه های مقابله با هجوم واژه های بیگانه در زبان ما واژه سازی است. اما اینکه تنها با واژه سازی می توان نارسایی های زبان فارسی را از میان برداشت پرسش مطرحی است که البته از عهده این مقاله و نگارنده آن بیرون است. از سوی دیگر، عوامانه کردن واژه سازی و طرح آن به طور عام حتی در رسانه های عمومی می گیرد (کیهان کاریکاتور، سال اول، شماره اول، ص ۲۹). و اینکه: «از دیدگاه هوگارت (۱۶۹۷-۱۷۶۴) کاریکاتور یک شیوه بیانی ایتالیایی الاصل است که بر پایه اغراق یا ایجاد کاستی هایی در خطوط چهره آدمی شکل می گیرد. هوگارت در این رابطه با دوست خود فیلدینگ درام نویس هم رای و نظر بود که می گفت: «در کاریکاتور همه چیز مجاز است و هدف از آن ایجاد هیولاست، نه انسان» (همان منبع، سال اول، شماره ۳، ص ۲۸). بنابراین: کاریکاتور هنری وابسته به چهره آدمی است که می تواند تصاویر، مجسمه ها، طراحی ها و نقاشی هایی که در آنها چهره با هدف خاصی دچار تغییر شکل (دفرمه) شده باشد، را در برگیرد. این تصور نادرست از مقوله «واژه سازی» عمدتاً ناشی از جدا کردن زبان و تفکر است. در این باب، باید این اقوال فریه را به گوش جان شنید که: «زبان عین تفکر است و اگر قومی تفکر نداشته

کاریکاتور و واژه سازی



کاریکاتور و واژه سازی
مجموعه ای گراور که از نقاشی های پرتیپ های آنیال کارا که اقتباس شده بود در بولونیا انتشار یافت. در مقدمه این مجموعه موسیقی ناشر این آثار خاطر نشان می سازد که آنیال در نقاشی های (کاریکاتور) خود وسیله ای برای رفع و دفع اثرات فعالیت بسیار خسته کننده نقاشی یافته است. و در اینجا است که برای نخستین بار مضمون «کاریکاتور» پدید می آید. «کاریکار» به ایتالیایی به معنای اغراق گفتن و مبالغه کردن است. در این مجموعه همچنین آمده است که نقاش شخصاً این واژه را در رابطه با نقاشی های خود به کار فرهنگ های لغت نوشته اند، علی رغم ریشه ایتالیایی اش واژه ای فرانسوی است و این البته مربوط می شود به تحولات اساسی این هنر در فرانسه که از بحث ما بیرون است.

کتاب ماه
نیزه کاریکاتور



عنوان: آش کشک خالنده، بخوری پاته، نخوری پاته
مجله: پانچ
تعدادی: ۱
نقاشی: برای نصب در تالارهای
بنای جدید پارلمان انگلستان در
لندن فراهم شده بود. این مجله آن
کارتون‌ها را در قالب تعدادی طرح
طنزآمیز به طعن و تمسخر گرفت
که مورد استقبال خوانندگان
واقع شد. از آن پس اصطلاح
کارتون در معنای کنونی آن رواج
یافت (مرثیه‌ای بر توقف انتشار
پانچ، غلامعلی لطیفی، کیهان
کاریکاتور، سال اول، شماره
ششم، ص ۴). بنابراین «کارتون»
«کارتون» در مقایسه با «کارتون»
«کارتون» واژه جدیدتری است
که هیچ گاه در تاریخ مطبوعات
طنز ایران نتوانست در کنار
کاریکاتور مطرح شود.

آش کشک خالنده، بخوری پاته، نخوری پاته
از نوآرذ لوسی - اسمیت ضمن
بررسی تعریف دو واژه «کاریکاتور»
و «کارتون» در واژه‌نامه‌های
آکسفورد، چمبرز و ویولیر گفته است
که این فرهنگ‌ها تعاریفی مهم در مورد
این دو کلمه ارائه داده‌اند که آراء
نظر نمی‌رسد به طور مثال آکسفورد
تعاریفی در مورد این دو کلمه
کاریکاتور (اسم)
۱- هنر ارائه تصاویر مشخص با اشیا که در آن
صفات و خصوصیات بارز فرد یا شیء به نحوی
اغراق آمیز، مضحک و غیرطبیعی به تصویر کشیده
می‌شود. ۲- تصویر یا اثر هنری دیگری به نحوی
مضحک و اغراق آمیز ویژگی‌های موضوع اصلی را
به نمایش می‌گذارد.
کاریکاتور (فعل)
۱- تصویر مشابه، مضحک و غیرطبیعی از چیزی
ارائه دادن ۲- تقلید کردن از روی تمسخر.
(اسم): تصویری که در برگیرنده تمام صفحه‌ای از یک
روزنامه یا نشریه است و به خصوص به روزنامه‌های
فکاهی در ارتباط با وقایع جاری اطلاق می‌شود.
کارتون (فعل) کاریکاتور کشیدن: نشان دادن چیزی
به قصد تمسخر.

البته دو فرهنگ چمبرز و کولینز بر لزوم تمام
صفحه‌ای بودن کارتون تاکید چندانی ندارند و به این
نکته که تصاویر کارتون در رابطه با
وقایع جاری و مورد بحث روز
است، اشاره کرده‌اند. (هنر
کاریکاتور، مترجم ناشر، انتشارات
برگ، ۱۳۶۴، ص ۷-۸)
پس اسمیت نتیجه می‌گیرد:
اساس تعریف فرهنگ لغت
آکسفورد از کلمه کارتون به عنوان
فعل، تفاوت اساسی مختصری
میان این کلمه و کلمه کاریکاتور
وجود دارد. در واقع کارتون و
کاریکاتور در این فرهنگ دقیقاً به
عنوان دو کلمه مترادف به کار رفته
است. بدیهی است که این دو کلمه
در زبان محاوره مفهومی بسیار
نزدیک به هم پیدا کرده‌اند. همان
طور که از مفهوم ریشه ایتالیایی این
کلمه (کاریکاتور) به مفهوم شباهتی



توفیق: - آش کشک خالنده، بخوری پاته، نخوری پاته

بهر درون پناه و پناه و پناه



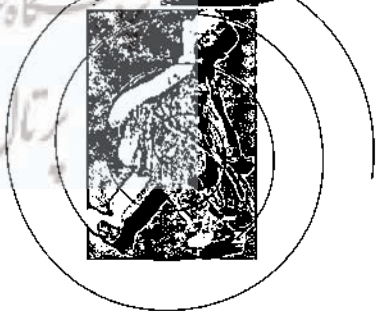
بابا گل



ملا نصرالدین



کتاب ماه
ویژه کاریکاتور



که در آن خصوصیات ویژه موضوع به نحوی اغراق آمیز و غیر طبیعی نمایانده می شود، برمی آید. دیگر کاریکاتور محدود به تصویر الزامی چهره نیست. همان طور که کارتون همیشه قطعاً در رابطه با موضوعات سیاسی با مباحث جاری نیست.

(همان جا) او سپس می افزاید: «آن چه کلمه کاریکاتور بدان اطلاق می شود، ممکن است تنها یک طرح تمثیلی یا کنایه ای باشد، با این هدف که به جای خندانیدن بیننده وی را به تفکر وامی دارد. آن چه از کلمه کاریکاتور بر می آید این است که یک اثر کاریکاتور معمولاً مقداری تخیل و اغراق را در خود آمیخته دارد، مهمتر از آن این که در بیان هدف خود از اصطلاحات روزمره و عامه به همان شکل متداول بهره می گیرد. این خود یکی از ویژگی های تعیین کننده کاریکاتور در نقطه زمانی خلق اثر است... برای دست یابی به تعریف واقعی کلمه کاریکاتور شواهد موجود نشان دهنده این حقیقت است که نباید به بررسی سبک خاصی که هنرمند در خلق یک اثر کاریکاتور اتخاذ می کند پرداخت، بلکه ملاک شناخت افرادی است که هنرمند به عنوان ناظرین (بینندگان) اثرش در نظر می گیرد» (همان منبع، ص ۱۲ و ۸) به هر حال، همان طور که کتاب یاد شده نیز ذکر کرده است، آثار کاریکاتور علی رغم تنوع و تفاوت آشکارشان با یکدیگر از یک جنبه اصلی و اساسی مشترک برخوردارند و آن اینکه همه آنها برای چاپ طراحی می شوند. با توجه به نکات یاد شده، اکنون روشن است که مترادف بودن دو واژه کاریکاتور و کارتون و به ویژه کاربرد کاریکاتور به جای هر دو در زبان فارسی از چه اساسی برخوردار است.

در این بخش، مروری داریم بر نوشته های فرهنگ های فارسی در ذیل واژه های کاریکاتور و کارتون تا تعاریف و احتمالاً معادل های فارسی آنها را بررسی کنیم، اما پیش از آن بجاست نوشته های «دایره المعارف فارسی» (مصاحب) را که به نسبت دقیق ترین و کامل ترین تعریف های کلاسیک واژه های مورد نظرمان را در میان منابع فارسی ارائه می دهد و اکثراً در دسترس است، برای استفاده همگان بیاوریم:

کاریکاتور

«نقش طنزآمیزی که اجزاء صورت یا اعضای بدن یا خواص شخص یا اشخاص را به نحو اغراق آمیز و اغلب خنده آوری مجسم کند. گرچه در نقاشی های نقاشان بزرگ قرن ۱۶ م، از قبیل هولباین و بروگل نقش های کاریکاتور مانند فراوان وجود دارد، سنت مشخص کاریکاتورسازی که اساس آن که تأکید بر جنبه های خنده آور اشخاص موضوع کاریکاتور است. در قرن ۱۷ م. به دست کارتچی در ایتالیا پایه گذاری شد. در قرن ۱۸ م. بازار کاریکاتور در انگلستان رونق بسیار یافت و کاریکاتورسازی از قبیل هوگارت با بسط دامنه هنر کاریکاتورسازی، به ساختن کاریکاتورهای هجوآمیز اجتماعی و سیاسی نیز پرداختند و به این ترتیب گامی در راه تهیه کارتون برداشتند. در قرن ۱۹ م. نشریاتی که اساس کار آنها کاریکاتور بود در میان مردم اروپا و کشورهای متحد آمریکا محبوبیت فراوان داشتند و هنرمندان سرشناسی از قبیل ا. دومیه، ج. تیل، م. بیروم و د. لو در تهیه کاریکاتورهای آنها دست داشتند. از مجسمه سازی نیز برای ساختن کاریکاتور استفاده می شود اما نه به اندازه طراحی. در ادبیات نیز کلمه کاریکاتور به توضیحاتی که جنبه مسخره آمیز یا هجوآمیز دارد و شخص یا اشخاص مورد توصیف را به شکل اغراق آمیزی مجسم می کند، اطلاق می شود و سابقه این شیوه به یونانیان باستان می رسد. چارلز دیکنز از جمله نویسندگان بزرگی است که از این شیوه «کاریکاتورهای ادبی» در آثار خود استفاده فراوان کرده است.»

کارتون

۱- در هنرهای زیبا، طرح مقدماتی برای یک کار هنری به همان اندازه که بعداً باید به صورت فرسکو یا نقاشی روغنی یا موزاییک یا معرق یا ترکیبی از شیشه‌های رنگین برای در و پنجه یا فرشینه تهیه شود. چون این طرح بر روی کاغذ ضخیم یا مقوا رسم می‌شود، این نام به آن داده شده است. شیشه یا موزاییک یا معرق را درست به اندازه الگویی که از روی کارتون برمی‌دارند و یا می‌تراشند، ولی در فرشینه کارتون یا نقشه را زیر تارها می‌گذارند تا در بافتن راهنما باشد. در نقاشی فرسکو، خطوط کارتون را با سوزن سوراخ می‌کنند و بر روی آن گرده رنگینی می‌پاشند تا نقش آن بر روی سطحی که فرسکو باید بر روی آن ساخته شود، بیفتد. کارتون‌های دوره رنسانس مانند کارتون‌های رافائل، برای فرشینه نمازخانه سیستین و کارتون‌های مانتینیا برای نقش پیروزی قیصر، از جمله‌ی شاهکارهای هنری به شمار می‌رود.

۲- در روزنامه نگاری، نقاشی فکاهی یا هجایی که با مبالغه ترسیم شده غالباً با نوشته‌ای همراه است. در کارتون‌های سیاسی غالباً از کاریکاتور استفاده می‌شود. کارتون‌های سیاسی نخستین بار در قرن ۱۶ م. در آلمان دوره اصلاح دینی روی کارآمد و تأثیر تبلیغاتی فراوانی داشت. در قرن ۱۸ م. در انگلستان بر اثر کارهای هوگارت و دیگران، کارتون جزء ضروری روزنامه‌ها شد. در انتخابات ۱۸۷۱ و ۱۸۷۳، شکست ثمنی حال بیشتر نتیجه اثر تبلیغاتی کارتون‌هایی بود که در هفته نامه هارپر چاپ می‌شد.

کارتون‌های فکاهی و طنزی با پیدایش چاپ رنگین رواج یافت و نخستین نوع آن در ۱۸۹۳ در مجله ورلد نیویورک منتشر شد. برای کارتون‌های متحرک نگاه کنید به تصاویر متحرک، دیزنی.
(فرسکو: نقاشی بر پوشش آهکی تازه و مرطوب که بر دیوار یا سقف کشیده می‌شود).
در فرهنگ‌نصور هنرهای تجسمی (پرویز مرزبان و حبیب معروف، سروش، ۱۳۷۱) واژه‌های مورد نظر ما به صورت زیر آورده شده‌اند:

کاریکاتور: Caricature

چهره سازی طنزآمیز با بیانی مبالغه آمیز

۱- زیر طرح: Cartoon

طرح زیر کار برای نقاشی دیواری یا قالی بافی و مانند آن، ۲- چهره سازی مبالغه آمیز، کاریکاتور ۳- دیف تصاویر داستانی ۴- نقاشی متحرک، نقاشی فیلمی ۵- شعار مصور، آگهی مصور.

ردیف تصاویر داستانی: Comic Strip

تصاویر پیاپی که ردیف هم شوند و هر یک صحنه‌ای از داستان یا واقعه‌ای را مجسم سازند.

(بد نیست بگویم که برای ترکیب فوق برخی برابرهای دیگر نیز مانند «کاریکاتور چندمرحله‌ای»، «کاریکاتور دنباله دار» و با «داستان فکاهی مصور» به کار رفته است که این آخری مناسب‌تر به نظر می‌رسد.)

همان طور که دیده می‌شود در این فرهنگ کارتون و کاریکاتور در معنای مورد نظر ما مترادف گرفته شده است و ترکیب «چهره سازی مبالغه آمیز» معادل Cartoon داده شده است. همچنین مؤلفان این فرهنگ، ترکیبات «طراح شوخ کار، کاریکاتورساز (در نگارگری) را معادل humorist و «کاریکاتورساز، نقاش هجوگرا (در اصطلاح نقاشی)» را در برابر Satiric گذاشته‌اند.

در میان فرهنگ‌های عمومی فارسی، شاید قدیمی‌ترین فرهنگی که مدخل کاریکاتور را آورده است: «فرهنگ نظام» سید محمد داعی الاسلام (متوفی ۱۳۳۳ ق) باشد چاپ اول آن در حیدرآباد دکن در ۵ جلد منتشر شده است در این کتاب «کاریکاتور» چنین تعریف شده است: «تصویر مسخره چیزی که عموماً در جراید چاپ می‌شود. این لفظ فرانسوی است. این تعریف در عین اختصار دقیق است. دهخدا در «لغتنامه» همین تعریف را به نقل از فرهنگ نظام آورده و افزوده است: شکل و تصویر مضحک صورتی خنده‌آور از شخص یا چیزی.»

دکتر معین در «فرهنگ فارسی» مدخل «کاریکاتور» را این چنین تعریف کرده است: «شکل و تصویری مضحک که نقاش در ترسیم آن از نکات و دقائق مشخص موضوع استفاده کند و آن نکات و دقائق را بارزتر و بزرگتر نشان دهد و در عین حال تصویر باید با اصل موضوع شبیه باشد.» وی «کاریکاتورریست» را نقاشی که پیشه وی ساختن کاریکاتور است ذکر کرده است. این فرهنگ واژه «کارتون» و دیگر واژه‌های مرتبط را ندادند.

در فرهنگ‌های جدیدتر فارسی نیز مداخل یاد شده کم و بیش با تعاریف قبلی آورده شده است. به طور مثال در «فرهنگ فارسی امروز» (غلامحسین صدری افشار، نشرین حکمی، نسترن حکمی، مؤسسه نشر کلمه، ۱۳۷۳) کاریکاتور به عنوان «تصویر کسی یا صحنه‌ای به صورت مضحک یا طنز آلود که در نمایش برخی ویژگی‌ها یا جزئیات آن مبالغه شده باشد» آمده است و برای «کارتون» تعاریف: ۱- نقاشی متحرک ۲- داستانی که به صورت مجموعه‌ای از نقاشی‌ها بیان شده باشد، «داستان مصور» ارایه شده است. این فرهنگ دو مدخل تازه «کاریکاتور» (کاربرد یا تفسیر طنز آلود واژه‌ها) را نیز به واژگان قبلی فرهنگ‌های فارسی افزوده است. این آخری نمونه جالب و کاریکاتوری از یک واژه ساختگی در زبان فارسی است!

این بررسی نشان می‌دهد: اول، در فارسی برای آنچه که اکنون فرنگیان «کارتون» می‌نامند، همان واژه «کاریکاتور» را به کار می‌برند و میان حوزه معانی این دو اصطلاح تفاوتی نمی‌گذارند. و این البته به نتیجه‌ای که ادوارد لوسی-اسمیت از بررسی خود گرفت سازگار و موافق است. بنابراین، شاید این تعبیر نادرست نباشد که بگویم در دنیا اکنون واژه نسبتاً جدیدتر «کارتون» را در همان حوزه معنایی به کار می‌برند که قبلاً برای آن از واژه فرانسوی «کاریکاتور» استفاده می‌شد. اما در فارسی با توجه به اینکه واژه «کاریکاتور» پیش از یک قرن است که در مطبوعات فکاهی و طنزمان به کار می‌رود و اساساً مترجمان و مؤلفان گذشته ماتحت تأثیر زبان فرانسه بوده‌اند، این واژه ماندگار شده است. دوم اینکه می‌توان گفت که «کارتون» در تداول فارسی زبانان علی‌الاطلاق به فیلم‌های انیمیشن (نقاشی متحرک) دلالت می‌کند که عمر آن بی‌تردید به میزان عمر تلویزیون در ایران است.

در عربی، نیز واژه «کاریکاتور» و شکل دیگر آن یعنی «الکاریکاتیر» و صفت نسبی آن الکاریکاتوریه (با تشدید «ی») نیز کاربرد گسترده‌ای دارد. در این زبان، «الرسام» به معنی طراح و ترکیب «رسام الکاریکاتیر» برابر کاریکاتورریست و «رسوم الکاریکاتیر» معادل طراحی‌های کاریکاتوری به کار می‌رود. ترکیب «الرسام الساخر» به عنوان برابر عربی کاریکاتور کاربرد دارد. برای فیلم‌های انیمیشن در عربی از «کارتون» و «الرسوم المتحرکه» استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد در زبان ترکی نیز لفاظ «کاریکاتور» و مشتقات آن به همین گسترده‌گی به کار می‌رود. اما در هر حال، در متن‌های فارسی برای کاریکاتور و اصطلاحات مرتبط با آن مترادفات و برابرهایی در نوشته‌ها به کار می‌رود که برای «کاریکاتور» مشهورترین آنها عبارت‌اند از: طنز ترسیمی (یا تصویری)، طرح طنزآمیز،

روزنامه‌های ایران و کاریکاتور



کتاب ماه
ویژه کاریکاتور

می توانست نکات تازه ای را پیرامون تاریخچه کاربرد این واژه و به تبع سیر کاریکاتور در ایران را مشخص کند. متأسفانه نگارنده به دلیل دشواری دسترسی به مجلات و روزنامه های قدیمی و کمبود وقت و امکانات نتوانست از این لحاظ بسیاری از مطبوعات را مورد بررسی قرار دهد و آنچه در پی می آید حاصل بررسی برخی شماره های نشریات فکاهی و طنز قدیم است. امیدوارم کسانی که اطلاعات دقیق تر و کامل تری در این مورد دارند، دریغ نکنند. اما همچنان که می دانیم کاریکاتور با ظهور مطبوعات و انتشار روزنامه در ایران مطرح شد و رواج یافت. این امر همزمان با انقلاب مشروطیت و آغاز بیداری مردم که خود تحت تأثیر مستقیم انقلاب سیاسی-اجتماعی در اروپا قرار داشت، رخ داد. در واقع، همان گونه که به درستی گفته شده است کاریکاتور در ایران ره آورد دو چیز به شمار می آید: نخست، دوران مشروطیت و دوم پیدایش نشریه «ملانصرالدین». در اینجا به بررسی مطالب برخی از قدیمی ترین نشریات طنز و فکاهی از آن نظر که گفته شد، می پردازیم.

روزنامه ادب

نخستین روزنامه کاریکاتوری ایران را «نامه ادب» گمان زده اند که به همت ادیب الممالک، شاعر نامدار، انتشار یافت. «ادب» پس از مسافرت ادیب الممالک از تبریز به مشهد از ۱۴ رمضان سال ۱۳۱۸ ق (۱۲۸۰ ش ۱۹۰۱ م) تا شوال سال ۱۳۲۰ در این شهر انتشار یافت. این روزنامه با چاپ سنگی و خط نستعلیق مدت سه سال در مشهد منتشر شد. در سال سوم، کاریکاتورهایی ساده و ابتدایی که توسط حسین الموسوی، نقاشباشی آستان قدس رضوی، ترسیم می گردید، در آن دیده می شد. نخستین شماره دوره جدید این روزنامه دوشنبه ۲۷ رجب ۱۳۲۱ ق (۱۲۸۲ / ۱۹ اکتبر ۱۹۰۳) در تهران منتشر گردید. در شماره ۱۴۵ سال چهارم این روزنامه درباره سبک تازه آن به قلم مجدالاسلام چنین نوشته شده است: «بعضی از هواخواهان اداره ادب میرز از ما چنین طلب نموده و دو مطلب خواسته اند اول اینکه خواهش کرده اند که این روزنامه با حروف سربی طبع شود تا مبالغی به رونق او بیفزاید ولی ما به واسطه تصویرات رؤسای دولت و بزرگان ملت و ساختن

مضحک فلمی، نقاشی طنزآمیز، تصویر فکاهی، چهره سازی مبالغه آمیز، تصویر هزل آمیز، طرح های هجایی نگاره های شوخی آمیز (کسروی، تاریخ، مشروطه ایران) و غیره. همچنین برای حالت فعلی آن ترکیباتی مانند طنزنگاری، طنزآرایی، طنزپردازی، تلخ نگاری و برای «کاریکاتورست» برابرهایی مانند: نقاش طنزنگار، نقاش فکاهی و طراح به کار برده می شود.

باید گفت هر چند هیچ یک از مترادفات یاد شده نادرست نیست و همواره به ناچار باید از آنها استفاده کرد، ولی باید توجه داشت هیچ یک از آنها به تنهایی نمی توانند مفهوم وسیع کاریکاتور را که فراتر از طنز، مزاح، فکاهه، طعنه، هزل و هجو است، بیان کنند. در واقع، کاریکاتور می تواند از هر یک یا همه این مصالغ که مصرف نوشتاری هم دارند، بهره برد و در عین حال هیچ یک از آنها نیز نباشد. از سوی دیگر، معمولاً انتخاب برابریایی کارساز است که بتوان از یک ریشه (اسم) فعل و صفت و سایر مشتقات را نیز ساخت. در هیچ یک از مترادف های یاد شده چنین ریشه ای وجود ندارد و تقریباً همه آنها از ترکیب اضافی دو واژه به هم ساخته شده اند. در این زمینه، تنها یک استثنا وجود دارد که ذکر آن خالی از فایده نیست. در کتاب «واژه یاب» (با عنوان فرعی «فرهنگ برابریایی واژگان بیگانه» ابوالقاسم دهری، اساطیر، ۱۳۲۳)، برابریایی زیر آمده است:

کاریکاتور: خندک
کاریکاتور ال: خندکی، خندستان
کاریکاتورست: خندکساز

این برابریایی نیز از همان اشکال عمده برخوردارند که یاد شده، یعنی کاریکاتور اگر چه سبب خنده می شود، ولی به همان اندازه نیز تفکر زاست و هدف از ترسیم آن انتقال آگاهی ویژه ای است که تنها از این هنر بر می آید و الا بسیاری از هنرهای دیگر نیز می توانند در نوع کلیکشان خنده آور باشند. همچنین نقش معنایی بسوند (که بیشتر بسوند تحسین، تصحیر، تحقیر و یا شباهت است) در این کلمات برای نگارنده روشن نیست. البته بسیاری برای کاریکاتور انوایی را بر شمرده اند که خالی از نسامع نیست. ترکیباتی مانند کاریکاتور سیاسی کاریکاتور طنز، کاریکاتور چهره و کاریکاتور مطبوعاتی (در مقابل کاریکاتور نمایشگاهی که در واقع نوعی تازه است، زیرا اصولاً کاریکاتور از آغاز جنبه چاپی داشته است) بیشتر گرایش های موضوعی آثار کاریکاتوری را نشان می دهند، تا تفاوت های ماهوی را. دنبال کردن سبک واژه «کاریکاتور» در منابع فارسی (و یا حتی ترکی) و روشن کردن اینکه اولین بار این لفظ در کجا آمده است، بعد دیگری از این تحقیق بود که شاید



چه روز، همین ساعت، همین جا آفتاب بایست لاجات در آید!



قند و شکر میدن؟

بازار کار و کارکنان

مجلس تئاتر و بازیگر خانه
 منافی آیین دین مبین حضرت
 سیدالمرسلین است لهذا بر ماست که آن
 وسیله اولی را ترک گفته وسیله دوم را پذیرفته
 باشیم.

نویسنده در ادامه می نویسد که «سابقاً هم
 در روزنامه مبارکه ادب که یک چند بنده به
 تحریر آن مفتخر بودم و اینک خود صاحب
 امتیاز و مؤسس آن جناب... استاد اجل آقای
 آذیت الممالک حتماً قریب دایر خواهند نمود
 و عالم مطبوعات را آب و رنگی تازه و هیكل
 معارف را جلوه و رونق بی اندازه خواهد
 بخشود یک صفحه کاریکاتور که ضمیمه
 داشت و ما خیال می کردیم چندان محل
 توجه دانشمندان نبوده است ولی این اوقات
 از اطراف و اکناف مملکت جدا ما را ترغیب
 به احداث و ترسیم و ترتیب آن
 فرموده اند...»

چنان که مشاهده می شود در نوشته های
 بالا دو ترکیب «صور موهوم خنده آمیز»
 عبرت انگیز و «صور موهوم خیالی»
 مترادف با کاریکاتور آورده شده است.
 در پایان ذکر این نکته ضروری است
 که بحث این مقاله پیرامون تعریف رسمی
 و کلاسیک واژه های یاد شده است، نه
 تعاریف هنری گوناگونی که تاکنون شده.
 این بررسی همچنین نشانگر چگونگی
 انعکاس مجموعه واژگان کاریکاتور در
 متون رسمی فارسی نیز است.

در اصل بنا

(کاریکاتور) که در نظر ارباب نظر خیلی
 مطبوع است و نبودن دستگاه کامل مطبعه
 حروفی از قبول این مسئله معذوریم...
 (روزنامه ایران، هـ - ل. رابینو،
 ترجمه و تدوین جعفر خمایی زاده،
 انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲).
 اگر جملاتی که از مرجع یاد شده
 ذکر شده است، عیناً جملات
 روزنامه ادب باشد که به نظر
 می رسد این گونه است شاید این
 قدیمی ترین متن فارسی باشد که
 واژه «کاریکاتور» در آن به کار
 رفته است.

ملانصرالدین

نخستین شماره روزنامه
 «ملانصرالدین» در هفتم
 آوریل ۱۹۰۶ م (۱۲ صفر
 ۱۳۲۴ ق/ ۱۲۸۵ ش) به
 کوشش جلیل محمدقلی زاده
 (۱۸۶۶-۱۹۳۲ م/ ۱۲۴۴
 - ۱۳۱۰) در تقلیس به زبان
 ترکی منتشر شد.
 این نشریه از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۷
 نیز تعطیل بود و در ۱۹۲۱ م. چند
 شماره در تبریز منتشر کرد
 («ملانصرالدین در تبریز» صمد
 سردارنیا، سازمان چاپ و نشر
 هادی). نگارنده توانست شماره های
 بین تاریخ ۲۵ صفر ۱۳۲۹ (۱۹۱۱
 م/ ۱۲۹۰ ش) تا ذی الحجه ۱۳۲۹
 ق (نمره های ۶ تا ۴۳) را ببیند و
 صفحات آن را برای یافتن واژه «کاریکاتور»
 تورق کند، ولی واژه کاریکاتور در آن یافت
 نشد. در متن، واژه «تصویر» به مراتب دیده
 شد (برای نمونه در نمره دوازده، ص ۳).

آذربایجان

از نمره ۱ این نشریه هفتگی (مورخ ۱۳۲۴ ق/
 ۱۹۰۶ م) تا نمره ۲۰ آن (مورخ ۶ شوال ۱۳۲۵)
 تورق گردید، ولی واژه «کاریکاتور» در آن یافت نشد.
 تنها لفظ «تصویر» در آن به کار رفته است:
 «... به موجب تفصیلات چندی که شرح او در این موقع
 لزومی ندارد، گویا بعضی از مشترکین آذربایجان تصویر
 نمره ۷ ما را حمل به صورت جناب مستطاب... (شماره
 ۲۰، شوال ۱۳۲۵، ص ۶)

کشکول

در عنوان شماره اول مورخ دوشنبه پانزدهم شهر
 صفرالمظفر سنه ۱۳۲۵ مطابق ۳۰ مارس ۱۹۰۷ این روزنامه
 می خوانیم:

«این روزنامه از قید رسمیت و صحت و مسؤولیت کلی خارج
 است. ابتدا با شخص خاصی طرف نیست و غرضش بر انداختن عادات
 زشت بربریت و مجری ساختن رسوم تمدن و تربیت است. هر یک
 از دانشمندان که صور موهوم خنده آمیز عبرت انگیزی که به کلی
 بر نخورد طرح نموده به اداره بفرستند درج و ترسیم خواهد شد.»
 در آغاز مطلب شماره ۱ این روزنامه به واژه «کاریکاتور» بر
 می خوریم:

«برای تجسم اعمال دو وسیله سهل و ساده به دست آورده اند آن
 دو وسیله یکی تئاتر است که در حقیقت غرضش از تشکیل همان
 تجسم اعمال است و نواختن موزیک و رقص برای ازدیاد رغبت مردم
 است به تماشا و دیگری ساختن صور موهوم خیالی مونیوم (به
 کاریکاتور) در روزنامه ها به عموم نشان دادن و چون تشکیل و ترتیب



کتاب ماه
 ویژه کاریکاتور